

برای
اسماعیل
شریف‌زاده



مبارزه‌ی
مدنی ...



روز جهانی
آزادی
مطبوعات



از دریای
نفت و گاز
ایلام ...



صحنه
انتخابات و
نزاع ...



تأمین حقوق ملی خلق کرد در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

کردستان

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

شماره ۶۰۴، یکشنبه، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۲، ۵ مه ۲۰۱۳، ۱۵۰ تومان

www.kurdistanmedia.com

سلفن

زانبار

این هم شد انتخابات؟

جمهوری اسلامی بر آن است که در کمتر از دو ماه دیگر یازدهمین دوره‌ی به اصطلاح انتخابات ریاست جمهوری را برگزار کند. بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رئیس‌جمهور بایستی مرد و پیرو مذهب تشیع باشد. بر این اساس، زنان به عنوان نیمی از جامعه و نیز پیروان ادیان غیر از اسلام و از پیروان دین اسلام نیز پیروان مذهب اهل سنت که درصد چشمگیری از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند، قانوناً مورد تبعیض قرار گرفته و از حق کاندیداتوری محرومند.

در میان اقلیتی که به پیروان مذهب شیعه تعلق دارد نیز، کاندیداها باید از معتقدان به ولایت فقیه باشند. بنابراین، نزدیک به ۷۵ درصد از جمعیت ایران از حق انتخاب شدن محروم هستند. کسانی نیز که اجازه‌ی اعلام نامزدی دارند، در شورای نگهبان و در ترازوی سلیقه و دیدگاه خامنه‌ای سنجیده و از فیلتر عبور داده می‌شوند تا مورد تأیید یا رد صلاحیت قرار گیرند. بدیهی است که معیار قانونی خاصی در این زمینه وجود ندارد، زیرا در بسیاری از مواقع یک کاندیدا با ویژگی‌های ثابت، در یک دوره تأیید و در دوره‌ی دیگر رد صلاحیت می‌شود. از دیدگاه رژیم و بیت رهبری، آن‌هایی که از این تبعیضات و فیلترها نیز عبور می‌کنند، از جانب سردمداران اصلی رژیم به خودی و غیر خودی تفکیک شده و ناراضیان درونی رژیم نیز کنار گذاشته می‌شوند، علاوه بر این‌ها، دست بردن در صندوق‌های رای نیز در این رژیم امری طبیعی بوده و رژیم در این راستا، هر فردی را با هر میزان آرای که بخواهد، از صندوق‌ها بیرون می‌آورد.

جالب اینجاست که رژیم با این اوضاع و احوال نیز انتظار دارد و می‌کوشد که میزان مشارکت مردم در این نمایش را حتی‌الامکان بالا برده و با اجرای صحنه‌سازی انتخابات به نمایش مشروعیت از طریق رسانه‌هایش و فریب افکار عمومی بپردازد. به طور خلاصه، رژیم فرد مورد نظر خود را تحت عنوان منتخب مردم به ریاست جمهوری می‌گمارد و نگرانی خاصی در این زمینه ندارد، آنچه که برای رژیم مهم است، کشاندن مردم به پای صندوق‌های خیمه‌شب‌بازی انتخابات است. اما مردمی که بدین‌گونه مورد تبعیض قرار گرفته‌اند و نیروها و جریانات سیاسی‌ای که حق مشارکت از آنان سلب گردیده است، چرا باید کاری کنند که تنور نمایش‌های رژیم را گرم کنند و در فریب افکار عمومی مددکار رژیم شده و ماهیت عبث و غیر واقعی انتخابات در جمهوری اسلامی را نادیده انگارند؟

شریف‌زاده، نماد جنبش دانشجویی



در چهل‌وپنجمین سالگرد شهادت اسماعیل شریف‌زاده، دانشجوی مبارز کرد، اتحادیه‌ی دانشجویان دمکرات کردستان ایران با برگزاری مراسمی یاد این مبارز انقلابی و روز دانشجوی کرد را گرامی داشت.

بعد از ظهر روز پنجشنبه ۱۲ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۲، با حضور جمعی از اعضای رهبری و پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران، اعضای اتحادیه‌ی دانشجویان و نمایندگان تعدادی از تشکل‌های دانشجویی، مراسمی در سالن اجتماعات حزب دمکرات برگزار شد.

در این مراسم، مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران با ایراد سخنانی بدین مناسبت، اظهار داشت: "رژیم شاهنشاهی با به شهادت رساندن فرزندان ملت کرد، درصدد به نابودی کشاندن جنبش‌های حق‌طلبانه‌ی ملیت‌های ایران و جلوگیری از بروز نارضایتی آنان و تشدید ظلم و ستم حاکم بر آحاد مردم ایران بود، اما فرزندان انقلابی ملت کرد هراسی از سیاست ارجاع و سرکوب رژیم به خود راه نداده و مشعل مبارزه را در دل

تاریکی فرزندان نگاه داشتند و امروزه جوانان و دانشجویان آگاه و بیدار ملت ما با ادامه راه شریف‌زاده، رژیم جمهوری اسلامی را به ستوه آورده‌اند."

در بخش دیگری از برنامه‌ها، کیهان یوسفی، دبیر اتحادیه‌ی دانشجویان ضمن برشمردن ویژگی‌های بارز شریف‌زاده و نقش وی در احیای مبارزات ملت کرد

و فعالیت‌هایش در دانشگاه و جنبش دانشجویی، وی را سمبل و حلقه‌ی ارتباطی میان امروز و گذشته‌ی جنبش دانشجویی کرد دانست.

در ادامه، مستندی در رابطه با روز دانشجوی کرد و مبارزات اسماعیل شریف‌زاده به نمایش درآمد. در همین رابطه، نمایندگان سازمان

دانش‌آموختگان کردستان ایران، اتحادیه‌ی ملی دانشجویان کرد و اتحادیه‌های زنان و جوانان دمکرات کردستان ایران نیز با قرائت پیام‌های خود، یاد شهید اسماعیل شریف‌زاده و روز دانشجوی کرد را گرامی داشتند.

ایران همچنان زندان روزنامه‌نگاران است

۳۰ تن در چین» عنوان کرده است که به اتهام‌هایی چون نقض قانون دستگیر شده‌اند.

فریدوم هاوس یا خانه‌ی آزادی نیز روز ۱۱ اردیبهشت‌ماه در گزارش سالانه‌ی خود از وضعیت آزادی مطبوعات در جهان، در میان ۱۹۷ کشور، ایران را به همراه کوبا در رتبه ۱۹۱ قرار داد.

در این گزارش کشورهای جهان از نظر میزان آزادی مطبوعات به سه گروه آزاد، نسبتاً آزاد و غیرآزاد تقسیم شده‌اند که ایران در گروه غیرآزاد قرار گرفته است. سازمان‌های جهانی مدافع آزادی بیان بارها جمهوری اسلامی ایران را در ردیف بزرگترین دشمنان آزادی مطبوعات قرار داده‌اند و این کشور بزرگترین زندان روزنامه‌نگاران نامیده شده است.

در آستانه‌ی روز جهانی آزادی مطبوعات، فدراسیون جهانی روزنامه‌نگاران چهار کشور ایران، چین، ترکیه و ارمنیه را دارای بیشترین روزنامه‌نگار زندانی معرفی کرد.

فدراسیون جهانی روزنامه‌نگاران به منظور بزرگداشت ۱۳ اردیبهشت‌ماه، روز جهانی آزادی مطبوعات، با ارسال نامه به سفارت‌های چهار کشور ایران، چین، ترکیه و ارمنیه در بروکسل، پایتخت بلژیک، نسبت به نبود آزادی مطبوعات در این کشورها ابراز نگرانی کرده و خواستار آزادی روزنامه‌نگاران زندانی شد.

این مرکز شمار روزنامه‌نگاران زندانی را «دست‌کم ۲۴ تن در ایران، ۶۶ تن در ترکیه، ۱۸ تن در ارمنیه» و «بیش از

مأموریت اخضر ابراهیمی شکست خورد

دارد که از این تصمیم منصرف شود". از گفته‌های منابع این خبر چنین برمی‌آید که ابراهیمی انگیزه‌ی خود برای ادامه کار را از دست داده، به این دلیل که حس می‌کند از او برای یافتن راه‌حلی دیپلماتیک برای بحران سوریه پشتیبانی کافی صورت نمی‌گیرد.

به گفته‌ی دیپلمات‌ها، ابراهیمی از رفتار شورای امنیت سازمان ملل نیز راضی نیست. این شورا تاکنون نتوانسته قطعنامه‌ی الزام‌آور مؤثری در مورد سوریه به تصویب برساند. روسیه و چین، دو عضو دائم شورای امنیت، تاکنون دو بار از حق وتوی خود برای بی‌اثر کردن قطعنامه‌های این شورا علیه رژیم سوریه استفاده کرده‌اند.

دومین فرستاده‌ی ویژه‌ی سازمان ملل برای حل بحران سوریه نیز در ادامه‌ی مأموریت خود برای پایان دادن به بحران سوریه با شکست روبرو شد.

خبرگزاری آلمان به نقل از منابع دیپلماتیک گزارش داد، اخضر ابراهیمی از ادامه‌ی تلاش برای ایجاد تفاهم بین سازمان ملل متحد، شورای امنیت سازمان ملل، اتحادیه‌ی عرب و طرف‌های درگیر در سوریه ناامید شده است.

یک دیپلمات سازمان ملل در نیویورک گفته است که اخضر ابراهیمی ۷۹ ساله در آستانه کناره‌گیری از مقام خود قرار دارد، اما بایستی او را «قانع کرد که چند روزی به مأموریت خود ادامه دهد». بر این اساس، ابراهیمی "به همه گفته است که قصد ادامه‌ی کار ندارد و امید اندکی وجود

دیدار هیأت کومله ـ سازمان کردستانی حزب کمونیست ایران از دفتر سیاسی حدکا



هیأت کومله — سازمان کردستانی حزب کمونیست ایران به سرپرستی "سید ابراهیم علی زاده" دبیر کل کومله از مقر دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران دیدار کرد.

به گزارش کوردستان میدیا، هیأت مزبور روز پنج‌شنبه دوازدهم اردیبهشت‌ماه از مقر دفتر سیاسی حزب دمکرات دیدار کرد و از سوی هیأتی به سرپرستی مصطفی هجری، دبیر کل حزب مورد استقبال قرار گرفتند.

مهم‌ترین مباحث این نشست، بررسی وضعیت سیاسی ایران و مسأله‌ی انتخابات پیش رو، اوضاع منطقه به ویژه وضعیت ملت کرد در همه‌ی بخش‌های کردستان و مسأله‌ی رابطه و همکاری میان نیروهای کردستان ایران بودند.

در رابطه با وضعیت سیاسی ایران و مسأله‌ی انتخابات، هر دو هیأت بر این باور بودند که وضعیت ایران در داخل و خارج روز به روز بدتر شده و بحران‌های داخلی از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اختلافات میان جناح‌های رژیم روزبه‌روز عمیق‌تر و گسترده‌تر می‌شود و رژیم بیش از پیش در داخل و خارج از کشور به انزوا کشیده می‌شود.

در این نشست در رابطه با مسأله‌ی انتخابات گفته شد: در ایران از هم اکنون انتخابات مثل همیشه مهندسی شده و غیردموکراتیک است و هر انتخاباتی در جمهوری اسلامی فرمایشی خواهد بود و در حال حاضر واقعیت و ماهیت جمهوری اسلامی به طور کلی برای مردم ایران و به ویژه برای مردم کردستان روشن شده

خود را در مورد فرایند صلح در ترکیه، وضعیت ملت کرد در سوریه و اقلیم کردستان مطرح کردند و بر این باور بودند که سرتاسر منطقه، به ویژه در رابطه با مسأله‌ی کرد در حال تغییر است و فرصت مناسبی برای ملت کرد به‌وجود آمده و لازم است در رابطه با هر کدام از بخش‌های کردستان با سیاستی درست و اصولی موضع گرفت.

در همین رابطه، دو هیأت، همکاری دو جانبه، دیدار در مورد مسائل مشترک مورد علاقه و همکاری دوجانبه را لازم و ضروری دانستند و بار دیگر بر تحکیم روابط دوستانه‌ی فی‌مابین تأکید کردند.

است، اما هم اکنون رژیم با تحت فشار قرار دادن مردم و طرح نقشه‌های مختلف درصدد است مردم را برای این انتخابات فرمایشی که در خردادماه برگزار خواهد شد، به پای صندوق‌های رأی بکشاند.

هر دو هیأت کومله و حزب دمکرات بر این باور بودند که هیچ کدام از مهره‌های رژیم علی‌رغم اختلافات داخلی در ۳۴ سال گذشته هیچ تغییری را در وضعیت مردم ایجاد نکرده‌اند و هم‌اکنون نیز

در بخش دیگری از این دیدار، در رابطه با وضعیت ملت کرد در بخش‌های مختلف کردستان، دو طرف تحلیل‌های

دیدار هیأت رفقای پیشین از مقر دفتر سیاسی حدکا



"محمد نظیف قادری" عضو دفتر سیاسی حزب مورد استقبال قرار گرفتند.

در این دیدار دوستانه، موضوعات مربوط به عادی نمودن روابط و همچنین دیگر شیوه‌های همکاری و هماهنگی میان طرفین مورد بحث و بررسی قرار گرفتند و همچنین در مورد دیگر مسائلی که می‌توانند زمینه را برای پیشبرد این جریان مساعد نمایند، بحث و تبادل نظر شد.

در دیدار هیأت حزب دمکرات و رفقای پیشین موضوعات مرتبط با عادی‌سازی روابط و دیگر شیوه‌های همکاری و هماهنگی میان طرفین مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

به گزارش کوردستان میدیا، هیأتی از رفقای پیشین حزب دمکرات به سرپرستی "مصطفی مولودی" از دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران دیدار کردند و از سوی هیأتی از حزب دمکرات به سرپرستی

دیدار دبیر کل حدکا با اسماعیل بشیکچی، نویسنده و روشنفکر ترک



دبیر کل حدکا در دیدار با اسماعیل بشیکچی گفت، امیدواریم مواضع همانند موضع اسماعیل بشیکچی، همگام با مبارزه‌ی آزادی‌خواهان، بتواند بر نظام‌های دیکتاتوری در منطقه غلبه نموده و به موفقیت منجر گردد.

به گزارش کوردستان میدیا، روز چهارشنبه یازدهم اردیبهشت‌ماه، مصطفی هجری، دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران با اسماعیل بشیکچی در شهر اربیل دیدار کرد و از دیدگاه‌ها و نظرات و تلاش‌های این نویسنده‌ی مشهور ترک در دفاع از حقوق کردها تشکر و قدردانی کرد.

آقای هجری در این دیدار اظهار امیدواری نمود که فکر و موضع شجاعانه‌ی اسماعیل بشیکچی و روشنفکرانی همانند وی، همگام با مبارزه‌ی تلاشگران دمکراسی‌خواه و فعالان حقوق بشر در منطقه بتواند بر دیکتاتورها پیروز شود و آزادی، عدالت و آبادانی به منطقه روی آورد و ملت‌های منطقه‌ی خاورمیانه بتوانند به آزادی و برابری برسند.

در همین رابطه "اسماعیل بشیکچی" ضمن ابراز خوشحالی از این دیدار و تأیید نظرات

واقع در کردستان عراق برگزار می‌شود که به مکانی برای اسکان بخشی از آوارگان سوری که شاهد زنده‌ی این واقعیت هستند، تبدیل شده است. در ایران دختران و پسران کرد همگام با سایر جوانان کشور از حقوق اولیه خود محروم هستند. جوانان کرد در این بخش به صورت گروهی به زندان فرستاده شده و اعدام می‌شوند و در سایه‌ی سیاست و حکمرانی رژیم به بیماری‌های مختلف اجتماعی مبتلا شده‌اند.

در کردستان ترکیه روندی آغاز شده است که ما منتظر نتایج آن هستیم و امیدواریم که نتایج آن به دمکراتیزه شدن هر چه بیشتر ترکیه و آزادی ملت‌مان در این بخش از کردستان از هر گونه ستمی منجر شود. بدین ترتیب می‌بینیم که جامعه‌ی ما در زمانی حساس و سرنوشت‌ساز بسر می‌برد. به همین خاطر لازم است که جوانان عزیز ما در این مقطع زمانی نقش مهم و تعیین‌کننده‌ی ایفا نمایند و بر این اساس نقش جوانان فعال در این کنفرانس و تصمیمات آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ما انتظار داریم با در نظر گرفتن این واقعیت‌ها تصمیمات و برنامه‌ی کاری کنفرانس برای آینده کمک و راهنما باشد. در این فرصت لازم می‌دانیم درود خود را تقدیم شما شرکت‌کنندگان در این کنفرانس نموده و همدردی خود را با خواهران و برادران کردستان سوریه ساکن در کمپ دومیز ابراز کنیم، به این امید که دیگر شاهد آوارگی کردها نباشیم.

حزب دمکرات کردستان ایران

دبیر کل

مصطفی هجری

ششم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۲ خورشیدی

بیست‌وششم آوریل ۲۰۱۳ میلادی

و دیدگاه‌های مصطفی هجری درباره‌ی مسأله‌ی دمکراسی و زندگی مسالمت‌آمیز ملت‌های منطقه، به ظلم و ستم رژیم‌های حاکم بر کردستان با حمایت قدرت‌های بزرگ در سده‌ی بیستم نسبت به ملت کرد اشاره نمود و نقش منفی کشورهای اروپایی در رابطه با ترور دکتر قاسملو و دکتر شرفکندی را مورد تأکید قرار داد.

کتاب "چهل سال مبارزه در راه آزادی" اثر دکتر قاسملو به فارسی ترجمه شد

تولد دوباره‌ی جنبش و مبارزه می‌پردازد. در همین رابطه و به گزارش وبسایت خويندکار، روز پنجشنبه دوازدهم اردیبهشت‌ماه (روز دانشجوی کرد)، این کتاب به صورت چاپی و PDF در اختیار علاقمندان قرار خواهد گرفت.

کردستان ایران در ۲۸۰ صفحه به قلم دکتر قاسملو را در بر گرفته است. این کتاب به تاریخ سه دوره‌ی مهم یعنی دوران قبل از تأسیس جمهوری کردستان و حزب دمکرات، دوران جمهوری کردستان و دوران بعد از سقوط جمهوری کردستان و

اتحادیه‌ی دانشجویان دمکرات کردستان ایران، کتاب "چهل سال مبارزه در راه آزادی" اثر دکتر "عبدالرحمان قاسملو" را به زبان فارسی ترجمه نمودند. به گزارش وبسایت کوردستان میدیا، این کتاب تاریخچه‌ی سیاسی حزب دمکرات

در شهر شاه‌آباد کرماشان شب شعری برگزار شد

در بخش دیگری از این مراسم "نادر خسروی" و "عبدالوهاب عباسی" نوازندگان تار، چندین قطعه موسیقی اجرا کردند. در همین رابطه "حسین اسماعیلی" نیز با اجرای "تنبک" هنر نمایی نمود.

کرماشان، مجموعه‌ای از آثار شعری خود ارائه کردند. در آغاز مراسم "خانم سعیدی، کیومرث بلده، سوما امینی و الله‌مراد جباریان" شعرهای خود را قرائت کردند و سپس "پوریا فتاحی" با اجرای قطعه‌ای موسیقی مراسم را باشکوه‌تر کرد.

شب شعری در شهرستان شاه‌آباد (اسلام‌آباد غرب) توسط نویسندگان و ادیبان این شهر برگزار شد. به گزارش وبسایت "ژیارکورد"، در مورخه‌ی یازدهم اردیبهشت‌ماه جمعی از شاعران شهرستان شاه‌آباد و حومه‌ی آن در مراسمی با شرکت ادیبان استان



به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر، هیأت دفتر نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران در سلیمانیه به سرپرستی محمد صاحبی، عضو کمیته‌ی مرکزی حزب دمکرات در راهپیمایی شهر سلیمانیه شرکت نمود.

به گزارش کوردستان میدیا، این راهپیمایی از محله‌ی "عقاریه" با شعار "تأمین فرصت کار و معیشت زندگی برای کارگران" به مقصد دفتر پارلمان کردستان در سلیمانیه برگزار شد.

در این راهپیمایی چند درخواست از سوی کارگران کردستان به پارلمان ارائه

دیدار هیأت حدکا

با حزب کارگران و رنجبران کردستان

هیأت حزب کارگران و رنجبران کردستان به سرپرستی "باپیر کامیلا" دبیر کل این حزب، از دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران دیدار کردند.

به گزارش کوردستان میدیا، روز دوشنبه دوم اردیبهشت‌ماه ۹۲، هیأت این حزب از سوی هیأتی از حزب دمکرات به سرپرستی "مصطفی هجری" دبیرکل حزب دمکرات مورد استقبال قرار گرفت.

در ابتدای این دیدار، "باپیر کامیلا" در رابطه با وضعیت ملت کرد در اقلیم کردستان، به‌ویژه روابط حکومت مرکزی و حکومت اقلیم کردستان نظرات و دیدگاه‌های خود را ابراز کرد و در مورد وضعیت کنونی سوریه، دخالت کشورهای منطقه در درگیری‌های سوریه را مورد اشاره قرار داد.

وی در ادامه به تأثیر و نقش کلیدی حزب

دمکرات در منطقه تأکید نمود و گفت: "انتظار می‌رود که حزب دمکرات در آینده بتواند نقش بیشتری ایفا کند."

سپس "مصطفی هجری" در رابطه با شرایط منطقه و تغییراتی که روی داده و در حال روی دادن هستند، مطالبی ابراز داشتند و خرسندی حزب دمکرات را از سقوط دیکتاتورهای منطقه ابراز نمود.

آقای هجری در ادامه بر نقش مخرب رژیم ایران در منطقه تأکید کرد و در این ارتباط گفت: "سرانجام خواست و اراده‌ی مردم تحقق خواهد یافت و زمان و شتاب این روند به تأثیرگذاری مردم و نیروهای انقلابی بستگی دارد."

دبیر کل حزب دمکرات مشکلاتی را که رژیم‌های دیکتاتور به وجود می‌آورند، نتیجه‌ی سیاستهای تمامی نظام‌های دیکتاتوری دانست.

رتبه اول برترین‌های کاریکاتور جهان به

"بوکان" اختصاص یافت

به گزارش همین منبع خبری، خراسان شمالی نیز در سومین دوره انتخاب بهترین‌های کاریکاتور، رتبه دوم را به خود اختصاص داد.

انجمن کارتونیست‌های تبریز به عنوان یکی از معتبرترین نهادهای کارتون ایران و جهان همه ساله، بهترین‌های سال قبل کارتون ایران و جهان را معرفی و از آنها تقدیر می‌کند.

با جمع آرای اینترنتی هنرمندان داخلی و بین‌المللی کاریکاتور، هنرمندان بوکان در این زمینه، رتبه‌ی نخست ایران و جهان را کسب کردند.

به گزارش انجمن کاریکاتور تبریز، با جمع‌آوری آرای اینترنتی هنرمندان داخلی و بین‌المللی کارتون و کاریکاتور، بوکان در مکان نخست بهترین‌های کاریکاتور ایران و جهان در سال ۲۰۱۲ قرار گرفت.

در دانشگاه پیام‌نور سنج مراسم ویژه زبان کردی برگزار شد

گرفته است، به شاعر "ستمیدگان" کردستان معروف شده است. از اثرات ماموستا قانع می‌توان به " گولاهی مریوان، باخچه‌ی کورستان، چوار باخی پینچوین، کیوی هورامان و لشتی گرمیان" اشاره کرد.

این شاعر مشهور و بلندآوازه‌ی ملت‌مان در شعرهایش از ستم و محنت‌های روا داشته شده بر ملت کرد سخن به میان آورده است.

این شاعر به علت سرودن شعرهایی در رابطه با ستم و ظلمی که در حق ملت کرد صورت

شمار چشمگیری از دانشجویان کرد دانشگاه پیام‌نور سنج، مراسم ادبی - هنری ویژه‌ای به مناسبت گرامیداشت ماموستا قانع برگزار کردند.

به گزارش وبسایت کوردستان میدیا، در آستانه‌ی سالروز درگذشت ماموستا قانع، شاعر نام‌آور کرد، دانشجویان دانشگاه پیام نور سنج مراسمی برگزار کردند.

در آغاز این مراسم، چندین بحث در رابطه با ادبیات و لهجه‌های زبان کردی ارائه شد و سپس توسط دانشجویان چندین قطعه شعر قرائت شد.

در بخش دیگری از این مراسم مسابقه‌ای در رابطه با نگارش متن کردی و شعر برگزار شد و دانشجویان در آن شرکت فعالانه داشتند.

"محمد کابلی" مشهور به ماموستا قانع، سال ۱۸۹۸ میلادی در روستای ریشین در "شهرزور" از توابع مریوان متولد شده است.

سفر بدون بازگشت یک دانشمند کرد به سیاره مریخ

تاکنون چندین اثر تحقیقاتی این دانشمند کرد که در مورد سیارات مختلف می‌باشند، به "ناسا" ارائه شده‌اند.

این استاد دانشگاه سلیمانیه، رضایت خود را در رابطه با این سفر ابراز داشته است و همچنین از احتمال عدم بازگشت به زمین خبر داده است.

دانشمند اهل کردستان ایران، به عنوان اولین شخصیت "کرد" و به صورت داوطلبانه به سیاره مریخ سفر خواهد کرد.

جمعی از منجمین دیگر نیز با این دانشمند کرد به سیاره مریخ سفر خواهند کرد و احتمال دارد که دیگر بازگشت آنان به "زمین" مقدور نباشد.

یکی از مدرسین فیزیک دانشگاه سلیمانیه‌ی اقلیم کردستان عراق، به صورت داوطلبانه برای "سفری بدون بازگشت" به عنوان اولین انسان به سیاره‌ی مریخ اعلام آمادگی نموده است.

به گزارش وبسایت لوین پرس، "حسین حسینی" یکی از مدرسین فیزیک دانشگاه سلیمانیه‌ی اقلیم کردستان و همچنین

متخصصان کرد دومین روبات پیشرفته‌ی خاورمیانه را ساختند

علاوه بر این، افراد نیازمند و معلول نیز می‌توانند از توانایی‌های این روبات استفاده کنند."

"همین جمال" مهندس سازنده‌ی روبات همچنین گفت: این روبات به گونه‌ای طراحی شده است که فرمان‌های صادرشده به زبان انگلیسی را انجام می‌دهد و در آینده‌ی نزدیک کاری می‌کنیم که در برابر فرمان‌ها به زبان کردی نیز حساس باشد.

"همین جمال" افزود: چنین روبات پیشرفته‌ای در منطقه‌ی خاورمیانه تنها در دوبی وجود دارد و دانشکده‌ی کامپیوتر سلیمانیه دومین نوع از این روبات را ساخته است.

جمال عنوان کرد: "این روبات می‌تواند با تشخیص صدا حرکت کند و به جای کارگرانی که کارشان تکرار یک عمل ثابت است، کار کند، به شرطی که متصل به سیستم کامپیوتری شود،

دومین روبات پیشرفته‌ی خاورمیانه در دانشکده‌ی کامپیوتر دانشگاه سلیمانیه در اقلیم کردستان عراق ساخته شد.

به گزارش وبسایت خندان و به نقل از "همین جمال" مهندس سازنده‌ی روبات SR۱ این روبات می‌تواند چهارده حرکت پیشرفته را با دست‌هایش انجام دهد.

"روبات SR۱" به معنای اولین روبات شهر سلیمانیه است.

برای اسماعیل شریف‌زاده که نماد دانشجوی کرد است



به خاستگاه آنان، بن‌مایه‌ی درک مشترک گرداند.

دوم: مشارکت، در دنیای امروز نماد مُلک جامعه می‌باشد و افراد جامعه با دارا بودن نماد، حس مشترکی را کسب می‌کنند و ضعف در یکی از آنها(ارتباط و مشارکت) مستقیماً بر دیگران تأثیر خواهد گذاشت. نماد، برای افراد مختلف، جلوه‌های متفاوتی دارد اما نکته‌ی مهم در تداعی واقعیتی است که با انطباق دال و مدلول پیوسته و همیشگی است و دلالت افراد کاربر ماد، نقطه‌ی پایانی است.

بدون شک، انتخاب شهید اسماعیل شریف‌زاده به عنوان نماد و سَمبُل جنبش دانشجویی کردستان، نوعی همبستگی و تعلق خاطر در دانشجویان ایجاد خواهد کرد که جایگاه و کارکرد دانشجو در جنبش رهایی‌بخش ملت کرد و سراسر ایران را تثبیت خواهد کرد.

به امید روزی که نماد شهید اسماعیل شریف‌زاده مبدل به اسطوره‌ی دانشجویان کردستان شود.

خورشیدی در مناطق مرزی بانه، اسماعیل با دیگر همزمانش به شهادت رسیدند. اهمیت نوشته‌ی مذکور و ماهیت آن را باید در نماد و نمادسازی برای جنبش دانشجویی کرد جستجو نمود. در اینجا شهید اسماعیل شریف‌زاده نماد و نشانه‌ای در فرای زمان و مکان است، کسی است که با افکار چپ‌منشانه پا به عرصه‌ی مبارزه‌ی ملی‌گرایانه گذاشته و عملاً در آن حضور دارد. همچنین شرایط آن زمان ایران و کردستان، جنبش آزادیخواهی کردستان را تحت تأثیر ژرفی قرار داده بود و اندیشه‌های او با دیگر اعضای کمیته‌ی انقلابی در واقع نوعی ابتکار سیاسی – فکری بود که نمونه‌ی آن را در آمریکای لاتین مشاهده می‌کنیم. پس می‌توان بعد از گذشت ۴۵ سال از شهادت اسماعیل شریف‌زاده دو کارکرد برای وی به عنوان یک نماد برشمرد: نخست: ارتباط، نماد شهید اسماعیل شریف‌زاده این پتانسیل را داراست که پیام مشترکی را درمیان دانشجویان کرد برانگیزد تا تفاوت‌های فکری، بدون توجه

برگزینیم که تمامی ویژگی‌های یک نماد را داشته باشد و به این منظور، شهید اسماعیل شریف‌زاده انتخابی شایسته است. عناصر تشکیل‌دهنده‌ی نماد: یکم: دال، که بر جای چیز دیگری می‌نشیند و در اینجا مُراد، شهید است. دوم: مدلول، که چیز دیگریست و دال جانشین آن است و منظور جنبش دانشجویی می‌باشد. سوم: دلالت، که رابط میان دال و مدلول بوده و با افکار "دیگران" تفسیر می‌شود. ابتدا زندگینامه‌ی شهید اسماعیل شریف‌زاده را مرور می‌کنیم و بعداً برآورد آن را با نمادسازی، مقایسه و نتایج مشخص می‌کنیم.

اسماعیل شریف‌زاده در خانواده‌ای مرفه در شهر مهاباد چشم به جهان گشود. بعد از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در رشته‌ی مکانیک دانشکده‌ی فنی تهران پذیرفته می‌شود. دوران تحصیل شهید اسماعیل همزمان بود با آغاز جنگ‌های چریکی در کردستان ایران و گسترش حرکات اعتراضی دانشجویان در جهان. شهید اسماعیل با همفکری و همکاری دیگر دانشجویان کرد در تهران و تبریز، کوشش نمودند که تشکلی را تحت عنوان اتحادیه‌ی دانشجویان کرد سازماندهی نمایند. اما فضای پلیسی و سرکوب شدید سیاسی حاکم بر جامعه‌ی آن زمان ایران، اجازه‌ی چنین فعالیت‌هایی را نمی‌داد. شهید اسماعیل برای تأمین و تحقق آرمان ملی – دمکراتیک کرد به کردستان عراق رفته و به صفوف حزب دمکرات پیوست.

شهید اسماعیل و دیگر همزمانش نظیر قادر شریف، ملا آواره، سلیمان معینی و نحو شکاک متوجه این امر شدند که برای زنده نگاه داشتن جنبش آزادیخواهی و ملی، اتخاذ موضع و عمل ضروریست و به همین منظور، کوهستان‌های کردستان را انتخاب نموده و سکوت فراگیر در سراسر ایران را شکستند. سرانجام بعد از مقاومتی ستودنی و ۱۸ ماه مبارزه‌ی چریکی در روز دوازدهم اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۴۷

دانشجو و جنبش آن در تاریخ اجتماعی – سیاسی ایران دارای جایگاه ویژه‌ای می‌باشد و علیرغم تغییر سه پارادایم گفتمانی در ۸۰ سال گذشته، جریان دموکراسی‌خواهی در کشور هنوز هم وامدار فعالیت‌های دانشجویان و مطالبات جنبش دانشجویی می‌باشد. شانزدهم آذر و کشته شدن سه دانشجو با آن جهان بینی متفاوتشان، بی‌دلیل در تصور و ذهن دانشجویان تیلور نیافته، بلکه مختصاتی داشت که امروز به نام نمادسازی گسترش یافته و نقش بسزایی در همگرایی حسی و شعور مشارکت جمعی در جنبش‌های اجتماعی دارد و راهنمای جنبش تلقی می‌شود.

جنبش دانشجویی کرد به عنوان یکی از ستون‌های محکم جنبش ملی‌گرا و دموکراسی‌خواهی مردم کردستان، جهت پیشبرد و تداوم رویدادهای عصر کنونی و همگرایی در میان افکار مختلف قشر دانشجویی کرد و تفاوتگذاری میان "ما" و "دیگران"، لزوم نماد و ارتباط و مشارکت میان رویکردهای موازی و مخالف را ضروری تلقی نمود تا باشد که دانشجوی کرد در مصاف با تحولات سیاسی، اجتماعی و فکری به نحو شایسته برخوردی مستقل و پایدار داشته باشد.

نماد(Symbol) به معنی نماینده است، "نشانه‌ای که به واقعیتی تجربیدی در مکان و زمان متفاوت معنا می‌بخشد و به دو نوع تقسیم می‌شود: طبیعی و قراردادی. انسان به عنوان موجوی نمادپرداز، به زبان خاستگاه نماد و نمادسازی مبدل می‌شود.

دانشجویی کرد و جنبش او نیازمند برخورداری از نمادی است که حس مشترک را در آنها متبلور سازد تا زمان – مکان به مانعی در برابر رسیدن به اهداف و خواسته‌های درونی تبدیل نگردد، بدون شک نماد دانشجویی کرد در عصر ارتباطات و جنبش‌های جدید اجتماعی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر جلوه می‌کند.

اهمیت نماد و کارکرد روزانه‌ی آن در زندگی، بطور عام و جنبش دانشجویی بطور اخص ما را بران می‌دارد که گزینه‌ای را

من بر این عقیده هستم که نام آذربایجان باید تغییر یابد. در حال حاضر اتحاد دو کره نیز روی میز مذاکره است. دو آلمان بعد از سال‌ها جدایی متحد شدند و دیوار برلین فرو ریخت. ویتنام شمالی و جنوبی بعد از سال‌ها جنگ و جدایی بهم پیوستند. حالا باید نوبت به آذربایجان برسد، به همین خاطر نیز نام آذربایجان باید به جمهوری آذربایجان شمالی تغییر یابد."

لازم به یادآوریمت که ایران و جمهوری آذربایجان روابط پر تنش‌ی با هم دارند. حکومت آذربایجان ایران را متهم می‌کند که از راه شبکه‌ی تلویزیونی سحر به زبان آذری برنامه پخش می‌کند و از این راه در امور داخلی این کشور دخالت می‌کند و دست به تحریکات سیاسی مذهبی می‌زند و از سوی دیگر، ایران کنشوری اسلامی به سبک ولایت فقیه و حکومت آذربایجان حکومتی سکولار است. هر دو یکدیگر را متهم می‌کنند که در امور یکدیگر دخالت می‌کنند.

ایران از این بیم دارد که حکومت آذربایجان، احساس ملی آذربایجانیان ایران را برانگیزد و آنان را به سوی خویش متمایل سازد. از سوی دیگر، روابط نزدیک بین جمهوری آذربایجان و اسرائیل به شدت ایران را نگران کرده است. به‌دنبال اولین سفر وزیر امور

غالب حبیبی

بعد از سال ۱۹۶۰، جنبش‌های اجتماعی جدیدی ظهور و قوام یافتند که دیگر کار، سرمایه و کارگر، بن‌مایه و جوهر نظریات و نتایج این نوع اندیشه نبودند، بلکه کنترل منابع ارزشی و اهداف مهم تاریخی در جامعه، تعیین‌کننده‌ی مسیر مبارزه بودند. یکی از جامعه‌شناسان فرانسوی به نام " آلن تورن" سه اصل اساسی را برای جنبش‌های اجتماعی برشمرده است که عبارتند از؛ هویت، مخالفت(ضدیت) و عمومیت حرکات اجتماعی. "تاریخ‌مندی" جنبش‌ها و شناخت فرآیند اجتماعی در جامعه که منجر به تحول وضعیت موجود می‌شود، در حقیقت همان "خودآگاهی" کارگران در تفسیر جنبش کارگری کارل مارکس است. به عبارتی دیگر، عدم انطباق ارزش‌ها با محیط پیرامون، علت پیدایش جنبش‌ها عنوان می‌شود.

جنبش دانشجویی که در اوایل دهه‌ی شصت میلادی با دیدگاه و خط‌مشی چپ پا به عرصه‌ی فعالیت گذاشت، تحت تأثیر گفتمان‌های ضد خشونت، مسیر دموکراسی‌خواهی را برگزید و با وجود حفظ گوهر چپ‌گرا و تغییرمحور جنبش، دوری‌جستن از قدرت‌طلبی و تلاش در جهت استقرار بازی دمکراسی از اصول جنبش دانشجویی در سراسر دنیا محسوب می‌شود.

به طور کلی حرکات دانشجویی در مفهوم جدید جنبش‌های اجتماعی جای می‌گیرند و تفاوت میان این جنبش با دیگر جنبش‌های سیاسی – اجتماعی به ویژه احزاب در این است که جنبش دانشجویی میل و رغبتی برای به دست گرفتن قدرت ندارد و اساساً عملکردی در جنبش دانشجویی ضعیف و فعالیت گفتاری قوی است. خصوصیات پرسشگری، انتقاد و آرمان‌گرایی از اصول اساسی جنبش دانشجویی بوده و این پدیده جهانی است.

معتمد نورانی

جمهوری آذربایجان، همسایه‌ی شمالی ایران، در اوایل سال ۱۸۲۸ میلادی بعد از جنگ ایران و روس، بر اساس معاهده ترکمن‌چای از ایران جدا شد و بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، در سال ۱۹۹۱ رسماً استقلال خود را اعلام کرد. از آن به بعد، ایران همواره نگران حرکات این کشور بوده است. بعد از جدایی این قسمت از خاک ایران، هنوز هم ایران مدعی مالکیت ارضی بر این مناطق است. از سوی دیگر، حکومت آذربایجان نیز چشم طمع به منطقه‌ی ترک‌نشین ایران دارد که با حکومت آذربایجان همجواری و مرز مشترک و زبان مشترک دارند.

قدرت حسن علی‌اف رئیس جبهه‌ی خلق آذربایجان واحد و نماینده‌ی مجلس این کشور، با تقدیم لایحه‌ای خواستار تغییر نام جمهوری آذربایجان به "آذربایجان شمالی" گردید، او در مورد نام آذربایجان و معاهده‌ی ترکمن‌چای و گلستان در مجلس گفت: "مجلس آذربایجان باید برای هر دو عهدنامه ارزش سیاسی قائل شود. باید در مجلس به صورت رسمی اعلام کنیم که ملت آذربایجان ملتی واحد است که به دو قسمت تقسیم شده و از هم جدا شده است.

تیرگی روابط ایران و آذربایجان

با این دریا دارند، تقسیم شود و خواهان سهمیه ۲۰درصد است. اما آذربایجان با این طرح مخالف است و می‌گوید که سهم ایران از بندر حسینقلی‌خان تا بندر آستارا بوده و ایران دارای سهمیه ۱۳درصد دریای خزر است. همچنین ایران و آذربایجان بر سر حق حاکمیت حوزه‌ی نفتی البرز اختلاف دارند.

تنش در روابط ایران و جمهوری آذربایجان اثرات نامطلوب روی معاملات بازرگانی و تجارت بین این دو کشور داشته است. حجم تجارت خارجی و صادرات آذربایجان از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲ با افزایش ۴۰درصد همراه بوده و به رقم بی‌سابقه ۴۰ میلیارد دلار رسیده است. این در حالی است که بازرگانی ایران با آذربایجان که مرز مشترک زمینی بیشتر از ۶۱۰ کیلومتر با هم دارند، از ۶۰۰ میلیون دلار به ۳۰۰ میلیون دلار سقوط کرده است که کمتر از یک درصد تجارت خارجی جمهوری آذربایجان است. همچنین به علت اختلافات موجود، دو کشور نتوانسته‌اند از مرز آبی دریای خزر بهره‌برداری نمایند و این تنش روزبه‌روز بیشتر می‌شود.

منبع: www.fp.com

اروپایی داشته است. این کشور با قرار گرفتن در یک جایگاه مهم جغرافیایی، دارا بودن منابع سرشار نفت و گاز، مورد توجه کشورهای بزرگ صنعتی جهان قرار گرفته است و نیاز مبرم به سرمایه‌گذاری وسیع، تکنولوژی مدرن و مواد اولیه‌ی صنایع دارد، لذا رابطه‌ی نزدیک و مستحکمی با آمریکا و اسرائیل دارد. ایران نیز در این مورد نگران است، زیرا بر عکس، در این مورد ایران محاصره‌ی شدید اقتصادی، نفتی و بانکی روبروست که این روند اقتصاد ایران را فلج کرده است، ایران با گرانی، بیکاری، تورم بولی، کمبود دارو و کمبود شدید مواد خوراکی مواجه گشته است و در عوض در آذربایجان چنین نیست.

عامل دیگری که موجب تنش در روابط ایران و جمهوری آذربایجان شده است، اختلاف مرز آبی در دریای خزر است. که بیش از دو دهه از این مشکلات و اختلافات می‌گذرد و هنوز هم به قوت خود باقی است و ایران در این رابطه سیاست دوگانه‌ای اتخاذ می‌کند. از سویی، با هر مذاکره‌ای موافق است، اما در منطقه‌ی مورد مناقشه با جمهوری آذربایجان، دست به فعالیت اکتشافی زده است. ایران می‌گوید دریای خزر باید به طور مساوی بین کشورهای ایران، روسیه، قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان که مرز مشترک

خارج‌هی آذربایجان به اسرائیل، مخصوصاً در این ایام که مسأله‌ی حمله‌ی اسرائیل به مراکز اتمی ایران در جریان است، ایران از این بیم دارد که خاک آذربایجان به پایگاه نظامی اسرائیل و آمریکا بر ضد ایران بدل شود. از سوی دیگر، حکومت آذربایجان به مدت یک سال یکی از اعضای غیر دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد است و می‌تواند در تنظیم قطعنامه‌های شورای امنیت بر ضد برنامه‌ی هسته‌ای ایران تأثیرگذار باشد.

البته روابط ایران و آذربایجان از ابتدا تیره و تار بوده است، زیرا از ابتدای شکل‌گیری حکومت آذربایجان در سال ۱۹۹۱ ایران به دو علت اصلی همیشه بر این باور بوده که انقلاب اسلامی را به آذربایجان صادر کند. اول اینکه چنین می‌پندارد که خاک آذربایجان بخشی از خاک ایران است، دوم اینکه ۹۳درصد جمعیت آذربایجان مسلمان هستند و قسمت عمده‌ای آن شیعه مذهبند، در این رابطه کشور آذربایجان، ایران را به دخالت مذهبی و بر انگیزختن احساسات مذهبی متهم می‌نماید و ایران آذربایجان را به بر انگیزختن احساسات ملی ترک‌های آذری متهم می‌کند.

آشکار است که حکومت آذربایجان از بدو کار و بعد از اعلام استقلال خود، رابطه‌ی نزدیکی با آمریکا و اسرائیل و کشورهای

(هژژ)

چشم انداز کردستان
عراق

ترجمه: رضا فتح‌الله‌نژاد

سایت "اکنون‌میست" گزارشی مفصل درباره وضعیت کردستان عراق، تحت عنوان "شمال عراق، صلح، هارمونی و نفت" منتشر نموده است. در لید گزارش آمده است: "علیرغم ادعاها، کردهای عراق به مرور به استقلال کامل نزدیک می‌شوند". در ابتدای گزارش نوشته شده است: "انجیل‌شناسان می‌گویند باغ بهشت، جنوب عراق است، مطمئناً در جایی که رودخانه‌های تیگرس و فرات به هم می‌رسند، اما در حالی که عراقی‌ها به بهشت اولیه می‌اندیشند، به نظر می‌رسد که به شمال، یعنی به طرف کردستان چشم دوخته‌اند. توضیح چرایی این امر بسیار ساده است. در نوروز، تعطیلات بهاری که ماه قبل برگزار شد، سیل گردشگران به دشت‌های پرگل این منطقه‌ی خودمختار سرازیر شدند، منطقه‌ای که دره‌هایش توسط چشمه‌هایی حاصل از ذوب برف‌های کوهستان تراشیده شده‌اند".

در بخش دیگری از گزارش آمده است: "طبیعت تنها تصویر کردستان عراق نیست. نظم نسبی، امنیت و ثروتی که ۵ میلیون ساکن سه استان عراق را سهمیم کرده، حسادت ۲۵ میلیون نفر دیگر را که در بخش عمده‌ی سرزمین ویران‌شده‌ی عراق زندگی می‌کنند و سایرین را نیز برانگیخته است. از ۲۰۱۱ بدین سو، حدود ۱۳۰ هزار پناهنده‌ی سوری که قریب به‌اتفاق آنان کرد هستند، همچون برادر مورد استقبال قرار گرفته‌اند، سازمان ملل می‌گوید که این تعداد ممکن است تا پایان سال به ۳۵۰ هزار نفر برسد. از شرق، کردهای ایرانی مشتاق کار در خانه‌سازی‌هایی مشغولند که در مکانی به بزرگی سوئیس قد برافراشته‌اند. از شمال، بار هواپیمایی بازاریاران ترکی می‌آید که به دنبال کسب سود از سرزمینی نفتخیز هستند که بوی خوش آن به همه جا رسیده است. عراق اکنون پس از آلمان، دومین بازار صادرات ترکیه است که ۷۰ درصد این بازرگانی مستقیماً به سوی بخش کردی صادر می‌شود، ۴ هزار کامیون هر روز از مرز عبور می‌کنند."

در گزارش به موضوعاتی دیگری اشاره شده است، از جمله احساس نزدیکی کردهای عراق نسبت به کردهای سوریه، چگونگی رهایی کردهای عراق از چنگال حکومت صدام حسین در طول بیست سال اخیر، خلاصه‌ای از تفرقه‌افکنی و توطئه‌های گذشته‌ی ایران، ترکیه و سوریه. همچنین پاراگرافی به موضوع مناطق مورد مناقشه اختصاص داده شده و از کرکوک به عنوان "شهری با تکرر قومی که تاریخاً رنگ و لعاب کردی دارد" نام برده شده است.

گزارش به طور مفصل به اختلافات دولت مالکسی و اقلیم کردستان، نقش نفت و توافقنامه‌های نفتی در آینده‌ی عراق و کردستان و نیز نقش ترکیه در معادلات عراق پرداخته است.

در پایان، ضمن اشاره به هراس بغداد از روند پیشرفت اقلیم کردستان و سهم بودن ایران و آمریکا به مثابه بزرگترین متحدین بغداد (هر یک به دلیل خاص خود) در این هراس نتیجه‌گیری شده است: "به نظر می‌رسد که جایزه‌ی کردها و ترک‌ها برای عراق آینده بزرگتر از این باشد که با سازش نامعلوم تاکتونی همخوانی داشته باشد".

منبع:

Economist.com

عملکرد رژیم است؟ جواب دادن به این سؤال و بحث در مورد چنین مسأله‌ای جای بسی تأمل و نیازمند متخصصین این زمینه است.

کمپین خودجوش مخالفت با این حکم ننگین رژیم، بار دیگر ثابت کرد که نه

رژیم جمهوری اسلامی ایران و نه هیچ رژیم دیکتاتور دیگری نخواهد توانست مانع مبارزات شجاعانه‌ی فرزندان ملت کرد شود، مبارزه‌ای که اخلاق سیاسی، کنش‌های انسانی، مبارزات مدنی و برابری اجتماعی را در خود جای داده و شامل می‌شود. این عملکرد کمپین "زن بودن ابزار تحقیر هیچ‌کس نیست" حقایق زیادی را نشان داد. برای نمونه، ثابت کرد که مبارزات ملت کرد در همه‌ی زمینه‌ها گسترش یافته و روند

روبه رشد مبارزات مدنی به سویی در حال حرکت است که تأثیرگذاری خود را به اثبات برساند. آنچه در مریوان و به دنبال آن در جاهای دیگر برای ابراز نارضایتی در مقابل توهین به مقام زن کرد و به طور کلی زنان اتفاق افتاد، این حقیقت را آشکار نمود که فرزندان ملت کرد به بلوغ سیاسی کامل رسیده‌اند و جهانیان نیز باید این را بدانند.

جرم تعریف می‌کند را کاهش نداده است. اما جای سؤال دارد که با وجود اینکه کار به‌دستان رژیم بر بی‌تأثیر بودن این احکام و حتی باز تولید جرم و جنایت از این طریق واقفند، چرا بر چنین عملکردهایی پافشاری می‌کنند؟



آنچه جای هیچ شک و شبهه‌ای ندارد، اینست که رژیم و مسئولین رژیم نه خود را برآمده از جامعه‌ی ایران می‌دانند و نه عملاً گامی در راستای منفعت و دلسوزی برای مردم و مملکت برمی‌دارند. باز هم این سؤال مطرح است که آیا این اندیشه‌ی ایدئولوژیک که مدعیست تا زمانی که جرم و جنایت در جهان به حد بالایی نرسد "امام مهدی" ظهور نمی‌کند، دلیل بر این

(با هر برجسی) صادر شد و به اجرا در آمد و در انتظار عمومی یکی از شهرهای کردستان به نمایش گذاشته شد. این عملکرد رژیم و قاضی دادگاه و نیروهای امنیتی - انتظامی رژیم واکنش وسیعی را در پی داشت و موجب شکل‌گیری کمپینی وسیع بر ضد این توهین و تحقیری شد که به طور کلی به زنان ایران و بخصوص به زنان کردستان و هر آنچه نشانه‌ی زن بودن را داراست، صورت گرفت.

رژیم در حالی چنین حکمی را بر فردی تحمیل می‌کند که حتی در قانون مجازات اسلامی خود رژیم هم که مملو از کاستی‌ها و احکام غیر انسانیست، چنین حکمی ذکر نشده و حتی در هیچ جای این قانون حکم مشابهی هم، وجود ندارد و اشاره شده که هیچ‌کدام از قضات نمی‌توانند بر اساس سلیقه‌ی شخصی حکم صادر کنند.

در این فاصله‌ی زمانی بیشتر از سی سال حکومت جمهوری اسلامی، عملکردهای شبیه به این حکم در ایران اعمال شده، از اعدام‌های خیابانی، قطع دست، از حدقه درآوردن چشم، سنگسار و تجاوز جنسی گرفته تا به این عملکرد ننگین در شهر مریوان، همه و همه حتی ذره‌ای و یک درصد هم از آنچه رژیم به عنوان

چکو احمدی

دیواری که از اساس کج پایه‌گذاری شود، تا ثریا کج خواهد رفت و در نهایت فرو خواهد ریخت، تنها تفاوتش این است که هرچه بالاتر رود، در زمان ریزش، ویرانی و خسارات وسیعتر و سهمگین‌تری در پی خواهد داشت.

رژیم جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدای انقلابی که از سوی ملیت‌های ایران آغاز و به سرانجام رسید و همه‌ی سیستم حکومتی را تغییر داد، عملکردهای غیر اخلاقی و ضد بشری را در دستور کار خود قرار داد و تحقیر شخصیت زن به طور کلی یکی از عملکردهای غیر اخلاقی این رژیم بود که تاکنون نیز ادامه دارد.

اکنون که در مورد توهین به لباس زنان کرد و به طور کلی زنان بحث می‌شود، لازم به یادآوریست که چنین عملکردی از همان آغاز کار رژیم جمهوری اسلامی باب شد، زمانی که شایع کردند اولین رئیس جمهور ایران، آقای بنی‌صدر در زمان گریختن از ایران لباس زنانه به تن داشته است که این شایعه را تنها به منظور توهین به وی بخش کردند. سپس در سال‌های اخیر عکس یکی از فعالین دانشجویی با روسری را منتشر کردند که این را نیز تنها به قصد تخریب شخصیت این فعال دانشجویی انجام دادند. اما این‌بار عملکردی که بیشتر به صورت شایعه و غیر رسمی صورت می‌گرفت، جنبه‌ی قانونی گرفت و به صورت قانونی حکم پوشاندن لباس زنانه بر تن یک مرد

روز جهانی آزادی مطبوعات

عادل مرادی

روز سوم ماه می (۱۳ اردیبهشت) به نام «روز جهانی آزادی مطبوعات» نامگذاری شده است که در این روز در سراسر دنیا از مقام فعالین عرصه‌ی روزنامه‌نگاری و مطبوعات تجلیل شود، اما عملاً این روز، به روز بیان رنجنامه‌ی روزنامه‌نگاران و مطبوعات و بیان مشکلات و موانعی که در انجام کار مطبوعاتی خود با آنها مواجه‌اند و روند انتشار شفاف اخبار و اطلاعات را مختل می‌سازند، تبدیل گشته است. رسانه‌ها به‌طور عام و مطبوعات به‌طور خاص در تکوین افکار عمومی نقش بسزایی دارند، تا جایی که مطبوعات

را رکن چهارم دموکراسی نامیده‌اند، یعنی اینکه اگر در مملکتی حاکمیت قانون به‌طور کامل برقرار باشد و قوای سه‌گانه (دولت، مجلس و دستگاه قضائی) مستقل از یکدیگر عمل نمایند، بدون وجود مطبوعات آزاد،

و نیازهای آن توجّه جدّی مبذول گردد. آزادی رسانه‌ها و به ویژه مطبوعات، مستلزم آزادی عقیده و حق جستجو، دریافت و انتشار اطلاعات و دیدگاه‌ها به هر وسیله ارتباطی و بدون محدودیت مرزها می‌باشد.

اندیشمندانی است که با عشق و علاقه‌ی وافر برای تأمین آزادی و رهایی از اسارت و درماندگی انسان‌ها تلاش ورزیده‌اند و چه‌بسا جان خود را در این راه از دست داده اند. لذا مسئولیت انسانی ما می‌طلبد



که از این میراث گران‌بها به خوبی صیانت نموده و در راه کمال آن بکوشیم تا صاحبان اندیشه و قلم، به خصوص اصحاب رسانه های مکتوب در فضای آزاد و بدون خطر، بتوانند نقش مفید خود را در جامعه به نیکی ادا کنند. روز جهانی آزادی مطبوعات این فرصت را برای ما فراهم می‌کند که توجه همگانی را به ضرورت مبارزه برای آزادی رسانه‌ها جلب نماییم. ما از دولت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی در سراسر جهان می‌خواهیم که برای گسترش آزادی بیان در رسانه‌ها مطابق با اصول شناخته شده بین‌المللی تلاش نمایند.

در پایان، ۱۳ اردیبهشت ماه، روز جهانی آزادی مطبوعات را بر تمامی کسانی که برای آزادی بیان، قلم می‌زنند و از آزادی و عدالت دفاع می‌کنند و متعهدانه به انسان و انسانیت می‌اندیشند و ضعف‌ها و قوت‌های آن را بیان می‌کنند، تبریک می‌گوییم.

در اردیبهشت ماه، روز جهانی آزادی مطبوعات را بر تمامی کسانی که برای آزادی بیان،

قلم می‌زنند و از آزادی و عدالت دفاع می‌کنند و متعهدانه به انسان و انسانیت می‌اندیشند و ضعف‌ها و قوت‌های آن را بیان می‌کنند، تبریک می‌گوییم.

از دریای نفت و گاز ایلام تا غارنشین‌های ماژین

کیهان یوسفی

بررسی مشکلات و آسیب‌شناسی معضلات یک روستا، شهر و یا یک استان، بدون شک مستلزم پژوهش و تحقیقی جامع و اساسی است. در این نوشتار برآنیم تا در حد توان و بضاعت آگاهی و امکانات خویش و نیز با توجه به فضای محدود روزنامه، گوشه‌ای از مشکلات و دردهای استان ایلام را مورد کنکاش و بررسی قرار دهیم.

ایلام بنا به آمار دولتی، استان ایلام با وسعت ۲۱۱۵۰ کیلومتر مربع، حدود ۲/۱ درصد از خاک کشور ایران را تشکیل می‌دهد. بنا به سرشماری دولتی سال ۱۳۹۰، جمعیت این استان ۵۷۷۵۹۹ نفر می‌باشد، ولی کارشناسان و افراد مطلع در این منطقه اعتقاد دارند برابر با جمعیت فعلی استان، ایلامی‌ها در شهرهای مختلف کشور و برای یافتن لقمه‌ای نان آواره‌اند.

استان ایلام دارای ۴۳۰ کیلومتر مرز مشترک با عراق است و نزدیک به ۲۰۵ اثر تاریخی ثبت شده ملی در این استان وجود دارد.

منابع طبیعی و زیرزمینی در ایلام استان ایلام یکی از غنی‌ترین استان‌های کشور از لحاظ منابع زیرزمینی به شمار می‌آید. حدود ۶۴۱،۶۶۷ هکتار از زمین‌های ایلام را جنگل پوشانده است. ایلام بر دریایی از منابع نفت و گاز خوابیده است. گزارش‌های رسمی درباره منابع نفتی و گاز در ایلام ضد و نقیض است.

بنا به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در ۹۱/۴/۲۷، استان ایلام دارای ۱۴ تریلیون متر مکعب ذخائر گاز و بیش از ۱۷ میلیارد بشکه ذخائر نفتی است.

ایلام ۲۹ درصد از ذخائر گازی ایران را در خود جای دارد. بعد از عسلویه، ایلام دارای بزرگ‌ترین ذخائر گازی ایران است. ایران رتبه دوم جهانی میدان‌های گازی را در اختیار دارد.

۱۵ درصد از ذخائر نفتی ایران متعلق به ایلام است. ایران سومین کشور دارنده منابع

نفتی در جهان است.

واحد چشمه‌خوش، در ۵۲ کیلومتری شهر دهلران با ظرفیت اسمی ۵۵ هزار بشکه در روز که نفت آن به جزیره خارک منتقل می‌شود. میادین نفتی آذر و چنگوله، با ذخایر ۶،۱ میلیارد بشکه، که روزانه ۱۳۰ هزار بشکه از آن استخراج می‌شود.

مرکز بهره‌برداری گاز تنگ بیجار و کمانکوه در ۷۰ کیلومتر ی شهر ستان طرفیت فعلی هفت میلیون متر مکعب گاز در روز است. از مهمترین میدانهای نفتی و گازی این استان به شمار می‌آیند.

استان ایلام علاوه بر منابع نفت و گاز دارای معادن سنگ‌های ساختمانی، سنگ گچ، سنگ آهک، شیل، آلومینیوم، نمک و شن و ماسه، قیر، زغال سنگ، مرمریت،

کلیت، مالون و لاشه، گوگرد، پیریت، و فسفات، می‌باشد که تاکنون به خاطر عدم سرمایه‌گذاری در این استان، این منابع دست‌نخورده باقی مانده است.

محرومیت و فقر در ایلام مثلث ایلام، فقر و محرومیت برای همگان دیگر عادی شده است. عروس زاگرس مدال طلای فقر و محرومیت را در ایران داراست.

فقر شدید در ایلام به همراه خود هدایایی همچون مهاجرت اجباری، خودکشی،

طلاق، بیکاری و ... را برای ایلامی‌ها به ارمغان آورده است. ایلام بر قله‌ی نخست خودکشی در ایران نیز جای خوش کرده است. از جمعیت کمتر از ۶۰۰ هزار نفری ایلامی‌ها، حدود ۱۱۰ هزار نفر تحت کمیته امداد خمینی هستند. طبق آمار دولتی ۲۰

خدمتگزاری‌های دولت به ایلام ایلام به عنوان یکی از مناطق جنگ زده طی ۸ سال جنگ ایران و عراق، زیر آتش توپ خانه‌های جنگ بی‌هدف دو طرف تبدیل به ویرانه شد. سواي تمام ثروت و منابع طبیعی، ایلام محروم‌ترین و فقیرترین استان



درصد ایلامیها زیر خط فقر قرار دارند ولی آمار واقعی رقمی بسیار بالاتر است. برای درک محرومیت استان ایلام شاید اشاره به منطقه "ماژین" دره‌شهر کافی باشد که در قرن ۲۱، اهالی بیش از ۱۰ روستا هنوز در غارها زندگی می‌کنند. بنا به گزارش‌های رسمی، رقم بیکاری در بهار ۱۳۹۱ بین ۲۱ تا ۲۵ درصد بوده است. آمار بیکاران در ایران افرادی را که در هفته یک ساعت کار می‌کنند را شامل نمی‌شود. بیش از ۴۴ هزار بیکار در ایلام سرگردانند.

کشور به شمار می‌آید. رفاه اجتماعی و سرمایه‌گذاریهای دولتی ایران بسیار پایین است و اگر سرمایه‌گزاری هم می‌شود، توسط مسئولان دولتی به دزدی و اختلاس می‌انجامد.

پتروشیمی ایلام این پروژه که از ۱۵ تیر ۱۳۸۲ به مرحله اجرا درآمده است، هدف آن بود که برای ساکنان ایلام کار و اشتغال به همراه آورد. ولی گرگ‌های رهمددی که خود بانی فقر و محرومیت و بیکاری ایلام هستند، این

پروژه را ابزاری برای دزدی و چپاول ثروت مردم قرار دادند. احمد شوهانی در گفتگو با روزنامه قدس در ۱۴ مهر ۱۳۹۱، از اختلاس ۴۴۰ میلیارد تومانی در این پروژه سخن می‌گوید که چگونه به نوعی بر آن سربوش گذاشته شد و با عاملان آن نیز هیچ برخوردی صورت نگرفت. اگرچه مدیرعامل وقت آن (د.ف) متهم اصلی به شمار می‌رفت ولی نتیجه آن شد که اعتبار ارزی ۲۲۰ میلیون یورویی و اعتبار ۴۰۰ میلیارد ریالی این واحد در حساب دولت مسدود شود و مجرمان هیچ و پیشرفت پروژه همچنان برخلاف ادعای مسئولان نیمه‌کاره مانده است.

کارخانه سیمان مهران ۲۵ کیلومتری شهر مهران، قرار بر این بود که یک کارخانه سیمان احداث شود. مجوز این کارخانه توسط فریدون همتی، نماینده‌ی اسبق مجلس به یکی از آشنایانش به نام فیض‌اللهی اعطا شد. زمین و شرایط برای احداث این کارخانه مهیا بود، اما فیض‌اللهی که برای گرفتن مجوز، ۷۰۰ میلیون تومان به نماینده اسبق پرداخته کرده بود، مجوز را با قیمت دو میلیارد تومان به یک فرد اهل اصفهان می‌فروشد و احداث کارخانه به اصفهان منتقل می‌شود.

همچنین می‌توان به پروژه‌های نیمه‌کاره ذیل اشاره نمود:

اتوبان جاده ایلام – مهران، تنها ۵ درصد پیشرفت داشته است و حدود ۱۲ ماه است که کار خوابیده است.

کنار گذر صالح آباد، بین جاده‌ی ایلام – مهران که قرار بر آن بود پل هوایی ساخته شود، تنها اقدامی که صورت گرفته است بلند کردن دو ستون است و نزدیک به دو سال است که پروژه با توجه به این که غنای طبیعی و مزبور ثروت‌های این استان به‌گونه‌ای است که بطور خلاصه بدان اشاره رفت و نیز شرح اندکی از فقر مردم و عدم توجه به این استان و ساکنان آن بدان پرداخته شد، می‌توان میزان ستم بر مردم را صحت و سقم ادعای رژیم مبنی بر اهمیت دادن به مناطق و مردم محروم را دریافت خوابیده است.

یاد گرفتن از وزیر کویتی

مقام خود کناره‌گیری نکرد. هیچ مدیری عزل نشد. در نهایت، وزیر آموزش پرورش سرایدار مدرسه را به عنوان عامل آتش‌سوزی "شینیانوی" معرفی کرد نه به عنوان مجرم.

موضوع کناره‌گیری از مقام، در کشور ما هنوز نهادینه نشده است. استعفای یک مسئول نشانه‌ی مقصر بودن وی در به وقوع پیوستن یک اتفاق نیست، در هیچ جای دنیا، وزیر در اتفاقات ناگواری که در مجموعه‌ی تحت مدیریتش پیش می‌آید، نقش مستقیمی ندارد.

برخورد ۲ قطار در مصر به علت اشتباه سوزن‌بان و قطع برق در یکی از خیابان‌های شهر سئول نتیجه‌ی اشتباه تکنسین بود اما در هر دو مورد، وزیران مربوطه به عنوان اصلی‌ترین مقام مسئول، از مقام خود کناره‌گیری کردند. هرچند درخواست استعفا در چنین مواردی از سوی نخست‌وزیر و یا رئیس‌جمهور به ندرت پذیرفته می‌شود اما چنین اقدامی نشانه‌ی قبول مسئولیت و ارج نهادن به افکار عمومی می‌باشد و شخص مسئول به این شیوه، همدردی عمیق خود را در این رابطه با حادثه‌ی پیش آمده اعلام می‌دارد.

خود را از دست می‌دهند". چنین به نظر می‌رسد که مسئولین در رابطه با حقوق کودکان آگاهی چندانی ندارند و این را هم نمی‌دانند که در رابطه با تأمین امنیت و پاسداری از جان آنان به چه میزان مسئولند. در همه‌ی دنیا در رابطه با بالا بردن میزان امنیت کودکان تدابیر ویژه‌ای اندیشیده شده است. در همین رابطه وزیر آموزش و پرورش ایران، حاضر به کناره‌گیری از مقام خود نشد و جواب "نه" را به افکار عمومی داد. حتی عذرخواهی وی در مجلس نیز بی‌تغییر بود و در سخنان وی، به هیچ وجه اثری از پشیمانی یا قبول مسئولیت اتفاقات به وقوع پیوسته، دیده نمی‌شد. او مدتی بعد در یک جلسه‌ی رسمی در مقابل تعدادی دانش‌آموز که در میان برف ایستاده بودند، گفت: "مواظب خودتان باشید، پاهایتان نلغزند و یا سرما نخورید، زیرا بعدها یقه‌ی ما را می‌گیرند". وزیر آموزش و پرورش با این سخنان، بار دیگر چهره‌ی واقعی خود را برای همگان نشان داد.

بسیار جای شگفت است که در اتفاقات پیرانشهر و بروجن، هیچ‌کس به عنوان مجرم شناخته نشده، هیچ مسئولی از

اتفاقات مشابهی می‌افتیم که در ایران به وقوع می‌پیوندند و هزاران افسوس که چرا مسئولین کشور ما در قبال چنین اتفاقاتی، به جای اتخاذ تصمیمات منطقی، استاندارد و مطابق با معیارهای جهانی، رفتارهای ناپسند و غیر معقول از خود نشان می‌دهند و با متشنج کردن اوضاع، تنها به فکر تبرئه‌ی خود هستند و دیگر هیچ. در رابطه با اتفاقات مرتبط با "راهبان نور"، آتش‌سوزی در مدرسه‌ی "شینیانوی"، مرگ ۲ دختر دانش‌آموز ۱۰ ساله و زخمی شدن ۳۰ دانش‌آموز در پاییز سال گذشته، مسئولین ایران سعی کردند که این اتفاقات را بسیار طبیعی و عادی جلوه دهند و رسانه‌ها را به بزرگنمایی این اتفاقات متهم کردند.

معاون وزیر آموزش و پرورش ایران به شیوه‌ای تحقیرآمیز گفت: "اتفاق پیش می‌آید، گاهی اوقات کسی از پله می‌افتد و یا در خیابان دچار مشکل می‌شود... " مسئول کمیسیون تحقیق و آموزش مجلس هم گفت: "چنین اتفاقات مشابهی در خانواده‌ها هم پیش می‌آید... در مناطق مختلف کشور بسیار اتفاق می‌افتد که هموطنانمان به خاطر گاز گرفتگی جان

اعلام داشتند.

کویت یکی از کشورهای منطقه و همسایه‌ی ما می‌باشد، شاید به عقیده بسیاری، این کشور از لحاظ فرهنگی و آموزش و پرورش در سطح پایین‌تری از ایران قرار دارد اما با این حال نحوه‌ی برخورد مسئولین این کشور بسیار کارشناسانه، استاندارد و مطابق معیارهای بین‌المللی می‌باشد. این اتفاق به غیر از استعفای وزیر آموزش و پرورش، به هیچ عنوان رنگ و بوی سیاسی به خود نگرفت. رسانه‌های کویت مانند "القبس" و "الوطن"، همچنین روزنامه‌های بین‌المللی و منطقه در سطح گسترده‌ای این خبر را منتشر کردند. در اخبار مرتبط با این اتفاق، نام مدرسه، بیمارستان و مدیران آنها، نام پدر نورا و نظرات و دیدگاه‌های آنان آمده است. در این میان، تنها نام معلم نورا که احتمال مقصر بودنش وجود دارد، نیامده است. با وجود اینکه معلم نورا اهل کشور دیگری است اما در گفتگوی مسئولین و خانواده‌ی این دانش‌آموز که با رسانه‌ها انجام دادند. به هیچ عنوان سخنی از ابراز تنفر و یا بی احترامی به این معلم دیده نمی‌شود. با مطالعه‌ی این خبر، ناخودآگاه به یاد

حسن صالح‌زاده

ترجمه: عادل مرادی

خبر در راستای معیارهای داخلی ایران، کم ارزش به نظر می‌رسد. یک دختر ۱۱ ساله‌ی کویتی به نام "نورا" کلاس ششم مدرسه‌ی "صباح‌النصر"، در کلاس درس حالش بهم می‌خورد. نورا با ماشین یکی از معلمان مدرسه به بیمارستان شهر "فراوانیه" منتقل می‌شود، اما قبل از اینکه به بیمارستان برسد، جان خود را از دست می‌دهد. همکلاسی‌های نورا می‌گویند: قبل از این اتفاق، معلم نورا، با دفتر به سرش کوبیده است. "ثایف الحجرف" وزیر آموزش و پرورش به منظور قبول مسئولیت سیاسی این اتفاق، یک روز بعد، از مقام خود استعفا می‌دهد و درخواست استعفای خود را به نخست‌وزیر آن کشور تقدیم می‌کند. از طرف وزارت آموزش و پرورش هیأتی به منظور تحقیق در زمینه‌ی چگونگی به وقوع پیوستن این اتفاق تعیین می‌شود تا در مدت ۴۸ ساعت، گزارش کارشناسانه‌ی خود را در این رابطه اعلام کنند. مسئولین وزارت آموزش و پرورش و مدیر مدرسه با حضور در مراسم ختم نورا، همدردی خود را با خانواده‌ی وی

سفر چاک هیگل به اسرائیل و پیام به ایران

سلام اسماعیل پور

سفر یک هفته‌ای چاک هیگل، وزیر دفاع ایالات متحده‌ی آمریکا به خاورمیانه، در ادامه‌ی سفرهای رئیس جمهور و وزیر خارجه‌ی آمریکا، تحرک تازه‌ای به روند فشارهای سیاسی و دیپلماتیک بر رژیم ایران داد.

وزیر دفاع جدید ایالات متحده که به مخالفت با اسرائیل و انتقاد از سیاست‌های دولت این کشور شهرت داشت، پس از روی‌کار آمدن، با اتخاذ موضعی جدید، حمایت از اسرائیل در مقابل جاه‌طلبی‌های اتمی ایران و تقویت جایگاه این کشور در معادلات منطقه‌ای را در دستور کار قرار داده است.

در سفر اخیر چاک هیگل که نخستین سفر وی به منطقه در مقام وزیر دفاع آمریکا بود، موضوع معامله‌ی تسلیحاتی ۱۰ میلیارد دلاری آمریکا با اسرائیل و فروش جنگ‌افزارهای پیشرفته به اسرائیل، عربستان و امارات متحده‌ی عربی، از مهم‌ترین مباحث مطرح شده در مذاکرات و گفتگوهای وی با مقامات این کشورها در منطقه بود.

نکته‌ی اساسی و بحث‌برانگیزی که این معامله‌ی تسلیحاتی را به سوژه‌ی داغ رسانه‌ها تبدیل کرد، تأکیدات هیگل بر آزادی عمل اسرائیل در اتخاذ هر تصمیمی بود که یکپارچگی و امنیت داخلی این کشور را در مقابله با تهدیدات منطقه‌ای (از جمله رژیم ایران) تضمین کند. هیگل همچنین فروش تسلیحات سنگین و فوق پیشرفته از جمله جنگنده‌های اف-۱۶ به امارات متحده‌ی عربی و عربستان سعودی را نیز پیامی آشکار به ایران خواند. از دیگر اقدامات هیگل در این سفر، تلاش برای

تنش‌زدایی در روابط ترکیه و اسرائیل بود که پس از حمله‌ی کماندوهای اسرائیلی به کشتی "مرمره‌ی آبی" به تیرگی گراییده بود.

آنچه در این سفر و سفرهای قبلی مقامات آمریکایی، از جمله جان کری، وزیر خارجه‌ی ایالات متحده به منطقه مشهود بود، تلاش برای ایجاد ائتلاف یا همبستگی میان کشورهایی است که

زمان و نزدیکتر شدن جمهوری اسلامی به مرحله‌ی بی‌بازگشت و عبور از خط قرمز نتانیاهو باشند. امید به پیشرفت مذاکرات هسته‌ای غرب با جمهوری اسلامی با توجه به ناکامی دور اخیر گفتگوهای ایران و گروه ۵+۱ در میان اسرائیلی‌ها کمرنگ‌تر از پیش شده و از سوی دیگر، تعلل غرب در مسأله‌ی سوریه، جمهوری اسلامی را به این باور درونی رسانده است که مانع

هوید و پایبندی بر حربه‌ی "دیپلماسی در هر صورت" دیگر نگرانی اسرائیلی‌ها از وضعیت موجود را برطرف نمی‌کند. از همین روست که آمریکایی‌ها با فروش این تسلیحات و به صدا در آوردن آژیرها برای رژیم تهران، در واقع، به نوعی تداوم خویشتنداری اسرائیلی‌ها را طلب نموده و به آنها اطمینان خاطر می‌دهند که آمریکا در هر شرایطی حامی آنان خواهد بود و



نیازی به احساس نگرانی نیست.

مطرح شدن طرح جدید سناتورهایی از هر دو حزب دمکرات و جمهوری‌خواه که دولت آمریکا را ملزم به حمایت و پشتیبانی از اسرائیل، در صورت حمله‌ی این کشور به ایران می‌نماید، مؤید همین سیاست آمریکایی‌هاست که از یک سو اسرائیلی‌ها را به آرامش و خویشتنداری بیشتر تا مشخص شدن نتیجه‌ی قطعی مذاکرات با ایران فرا می‌خواند و از سوی دیگر، به مقامات تهران نیز این پیام را ارسال می‌دارد که شانس پیروزی آنان در یک جنگ منطقه‌ای جدی و فراگیر با متحدان غرب، بسیار ضعیف است و در صورت وقوع چنین جنگی، قدرت

جدی و اساسی برای ادامه‌ی برنامه‌ی موشکی و اتمی تهدیدآمیز خود پیش‌رو ندارد و همین امر، سیاست‌گزاران جمهوری اسلامی را در مداخلات و آشوبگری‌های برون‌مرزی خود جدی‌تر و جسورتر نموده است.

بر تمامی اینها روند نفوذ خزنده‌ی رژیم ایران در نظام‌های انقلابی کشورهای شمال آفریقا را نیز باید افزود که تبدیل به عاملی مزید بر سایر نگرانی‌های اسرائیل شده است. در چنین شرایطی که اسرائیل شاهد تشدید بی‌ثباتی و ناامنی در منطقه و برهم زدن موازنه‌ی قدرت به زبان خویش است، وعده‌های تکراری مقامات آمریکایی مبنی بر تداوم سیاست چماق و

مخالف و نگران جاه‌طلبی‌های سردمداران جمهوری اسلامی در خاورمیانه هستند، اما تضادها و تناقض‌های دیگر باعث عدم هماهنگی میان آنها در برخورد با معضل اساسی خاورمیانه، یعنی بنیادگرایی اسلامی و گرائینگ سیاسی، معنوی، مادی و لجستیکی آن، یعنی رژیم تهران گردیده است.

در شرایطی که تداوم بحران در سوریه، اسرائیل را به آستانه‌ی خطر نزدیک‌تر کرده و موضوع امنیت و موجودیت این کشور بیش از هر زمان دیگری در چند سال اخیر، برای مردم و سیاستمداران اسرائیلی موضوعی جدی تلقی می‌شود، اسرائیلی‌ها دیگر نمی‌توانند صبورانه شاهد گذشت

صحنه انتخابات و نزاع پیش روی اصولگرایان

ناصر صالحی اصل

می شود. به همین دلیل می بینیم که عدم توجه مردم به انتخابات کاملاً واضح است. اتهاماتی که این روزها جناح اصولگرایان به همدیگر می زنند، نشانه این بحرانهاست، لذا هزینه سنگینی برای رژیم دارد. به ویژه نباید فراموش کرد که هر دو رقیب از جناح اصولگرایانند. این جنگ و نزاع و متهم کردن یکدیگر در میان اصولگرایان، بخشی از نزاعهای داخلی جمهوری اسلامی را علنی کرده است که قبلاًچنین نبوده است. این اختلافات درونی، رژیم را بسوی بحران تازه و عدم اطمینان و طردشدن هرچه بیشتر در داخل و در جامعه بین المللی سوق داده

است. خامنه ای این بار با صدایی بلندتر از قبل، تهدیدات خویش را قبل از انتخابات جدیتر نموده است. پیشتردر جمهوری اسلامی رسم بود که جهت تشویق مردم به شرکت در انتخابات فضای سیاسی ایران تا حدی آرام کنند. اما انکه رهبر رژیم رابه این باور رسانده که وی علناً تهدید کند و منتقدان خودی رژیم را سرزنش نماید و اطرافیانش از رئیس جمهور منصوب او و باند همراه وی به عنوان باند انحرافی نام



۱۳۸۸ پس از تقلب در انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری در هراس است. به همین دلیل، این بار نمی خواهد در این انتخابات دچار بحرانی همانند انتخابات دوره دهم و اعتراضات مردمی شود. لذا می خواهند انتخابات در فضایی ویژه برگزار گردد. هم اکنون نزاع جناحهای رژیم میان کسانی در جریان است که خود از طریق انتخابات غیر دمکراتیک این نظام به مقامات عالی در رژیم استبدادی جمهوری اسلامی

رسیده اند. محمود احمدی نژاد رئیس جمهور منصوب رژیم برای انتخابات دوره یازدهم ریاست جمهوری بحث عدم مداخله ارگانهای وابسته به رهبری در انتخابات را مطرح می کند. همچنین در اجتماع مردم در استان خوزستان تهدید کرد که اگر انتخابات مهندسی شود، پرونده فساد اقتصادی اشخاص مرتبط با فساد را رو می نماید که در کنترل وقلب در انتخابات در موقع ثبت نام کاندیداها و اجرای انتخابات و تعیین کاندیدای مورد اعتماد و انتصاب رئیس جمهوری دلخواه رژیم نقش دارند.

اما آشکارترین نمونه از مهندسی کردن انتخابات، تعیین خود احمدی نژاد در دوره ی دهم ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ بود که اعتراضات گسترده مردمی در تهران و چند کلان شهر را در پی داشت. رژیم برای حضور هر چه بیشتر مردم در انتخابات، دوره یازدهم ریاست جمهوری و دوره چهارم انتخابات شوراهای شهر و روستا در ۲۴ خردادماه امسال را با هم برگزار می کند تا بدین ترتیب، تعداد بیشتری از مردم را به

پای صندوقهای رأی آورده و دو هدف را محقق سازد:

نخست اینکه با برگزاری این انتخابات در شهر و روستا فضایی احساسی ایجاد نماید و به ویژه در روستاها طوایف و عشایر را جهت شرکت در انتخابات شوراها تشویق نماید تا بدین وسیله صحنه را گرمتر نماید. ثانیاً در شهرها نیز به ویژه در شهرهایی که مردمی از دو ملیت یا دو لهجه از یک زبان و یا دو مذهب جداگانه با هم زندگی می کنند، هر کدام را علیه دیگری تشویق به شرکت نماید تا بر طرف مقابل پیروز شود. در نتیجه رژیم به هدف اصلی خود که حضور بیشتر مردم در صحنه انتخابات است، برسد. به همین دلیل، اگر مردم آگاه نباشند، احتمال دارد که رژیم جمهوری اسلامی از طریق این ترفندها به هدف خود که حضور بیشتر مردم در پای صندوق هاست، برسد. مردم ابران بطور عموم و به ویژه مردم کردستان هیچ گونه اعتماد و امیدی به صحنه سازی انتخابات تکراری در چارچوب رژیم جمهوری اسلامی ندارند. لذا احتمال دارد که انتخابات دوره یازدهم ریاست جمهوری نیز همانند دوره های پیشین برگزار گردد، اما در واقع، ملیتهای ایران دیگر فریب نیرنگ و حیلۀ رژیم را نخواهند خورد. زیرا انتخابات هیچ فایده ای برای ملیتهای ایران در بر ندارد، بلکه تنها در راستای مصالح و منافع گروهی کوچک از اقتدارگرایان می باشد و نباید انتظار تغییر واصلح پذیری از چنین نظام بسته ای داشت.

در راستای همکاری بیشتر نیروهای دمکرات و مرفقی ایران بکوشیم

انتخابات ۴۰

عوامفریبی و مهندسی انتخابات

عوامفریبی آنست که شخص یا گروهی به جای استدلال و برهان آوردن راجع به مسأله‌ای برای اثبات عقیده یا تفکری خاص، از راه تحریک احساسات و تهییج جمعی و تکیه کردن بر احساسات مسلط بر مردم، نوعی حضور جمعی را برای دستیابی به نتیجه‌ی مطلوبشان تا اندازه‌ای محقق سازند. در عوامفریبی، فرد گروه عمدی از مردم را مخاطب خویش قرار داده و با مطرح ساختن مجموعه‌ای از مباحث تحریک‌آمیز، افکار عمومی را منحرف می‌سازد و برای مدت زمانی، احساسات مردم را بر می‌انگیزاند و با تکیه بر عملی که در ذهن مردم ایجاد کرده‌اند، آنها را تحریک می‌کنند تا در فرایندی مشارکت نمایند و یا اینکه نتیجه‌ی آن فرایند را هرچند باب طبعشان نباشد، قبول نمایند.

در عوامفریبی، بعضی اوقات برای افزایش تأثیرات بر روی تک‌تک افراد، از ابزارهایی همچون برافراشتن پرچم، سر دادن نوعی شعار خاص و سوءاستفاده از مذهب و جنسیت و ملیت، استفاده خواهد شد.

جمهوری اسلامی با استناد به این چند جمله‌ی فوق، در مدت زمان حاکمیت خویش در سه دهه‌ی گذشته، توانسته است از همه‌ی ابزارها و وسایل موجود برای فریب افکار عمومی استفاده نماید و به شکلی نمادین هم که باشد، به نتیجه‌ی مورد نظر خود دست یابد. در همین رابطه و در آستانه‌ی دوره‌ی یازدهم انتخابات ریاست جمهوری آشکارا می‌بینیم که مسئولان جمهوری اسلامی به چه شیوه و اشکالی می‌خواهند مردم را فریب بدهند و آنها را به پای صندوق‌های رأی بکشانند. صندوق‌هایی که نتیجه‌ی آن را نه مردم ایران بلکه مسئولان بلندپایه‌ی رژیم از قبل مشخص ساخته‌اند.

رفتار و اعمال احمدی‌نژاد در ارتباط با تحویل دادن پرچم به اسفندیار رحیم‌مشرقی و مشخص کردن شعاری به خصوص برای تهییج و تحریک افکار عمومی و از این سو هم به کارگیری الفاظی مثل "بگم" یا "نذار بگم" برای تحریک احساسات جمعی و نوعی تبلیغ برای آمدن به پای صندوق‌های رأی و تبلیغات وسیع جناح‌های داخلی رژیم و از همه مهمتر، مهندسی کردن انتخابات و نامزدهای انتخاباتی و در بدو کار، مشخص کردن تاریخ انتخابات دوره‌ی یازدهم ریاست جمهوری و مهندسی و همزمان کردن آن با انتخابات شوراهای شهر و روستا و سوءاستفاده از تفاوت‌های مذهبی و جنسیتی و ملی برای برانگیختن و تحریک مردم به مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری، این واقعیت را براینمان نمایان می‌سازد که عوامفریبی و مردم‌فریبی از ارکان اساسی نظام ولایت فقیه برای فریب مردم و جلب نظر آنها برای رفتن به پای صندوق‌های اخذ رأی برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده‌ی خودشان است.

خوراکی‌هایی که عامل اصلی ابتلا به سرطان هستند



از مصرف بیش از ۱۲ قطعه گوشت سرخ‌کردنی در ماه منع می‌کنند.

سبب‌زمینی سرخ‌شده: عده‌ای به این نوع غذا "سرطان سرخ‌شده" می‌گویند، به این دلیل که مقدار زیادی روغن را به هنگام سرخ شدن به خود جذب می‌کند و این علاوه بر ماده‌ی "اکریلاماید" است که در هنگام سرخ شدن به وجود می‌آید. این غذا در درجه‌ی حرارت بسیار بالا تهیه می‌شود.

گوشت خوک: این نوع غذا مقدار زیادی نیترات را در خود دارد و علاوه بر تأثیر

بسیاری که در ابتلا به سرطان دارد، اثرات مخربی نیز بر روی قلب انسان می‌گذارد. شکر و همچنین در تهیه‌ی آن از مقدار زیادی روغن نیز استفاده می‌شود. چیپس سبب‌زمینی: که مواد تشکیل

ترک سیگار با کمک مغز انسان



می‌دهد و احساس ناآرامی می‌کند. وی همچنین افزود: اگر راه‌چهارمی صحیح و مناسبی برای ترک سیگار در پیش گرفته شود و درمان مناسبی برای آن در نظر گرفته شود، تأثیرات منفی ناشی از ترک سیگار کاهش خواهد یافت و مدت زمان بروز اثرات ناشی از ترک، به ۴ هفته تقلیل خواهد یافت.

بر اساس اعلام مؤسسات بهداشت و سلامت کشور چک، ترک سیگار بسیار مشکل است. آنها در اثبات گفته‌ی خویش اظهار می‌دارند که سالانه ۱ میلیون نفر تصمیم به ترک سیگار می‌گیرند، اما تنها ۳۰٪ از آنها موفق به ترک سیگار می‌شوند. دکتر ایوار کرالیکوا، از مرکز ترک سیگار در پراگ، علت این امر را در ترشح هورمون "دوبامین" در مغز انسان به هنگام سیگار کشیدن و به تبع آن، ایجاد احساس خوشبختی در فرد می‌داند، به همین دلیل فرد سیگاری به هنگام سیگار کشیدن احساس می‌کند که به او پاداش داده شده است.

آنها در ادامه اظهار می‌دارند که با گذشت زمان، مغز انسان به این امر عادت کرده و سپس ترک آن بسیار مشکل شده و در نهایت سیگار کشیدن به عادت همیشگی فرد تبدیل می‌شود و در صورت نکشیدن سیگار، فرد حالت طبیعی خود را از دست

بیش از ۷۲ هزار دلار

بهای نوشیدن یک فنجان قهوه با رئیس اپل



در اقدامی برای حمایت از سازمان‌های مدافع حقوق بشر در آمریکا، حامیان حقوق بشر مزایده‌ای برای نوشیدن یک فنجان قهوه با رئیس شرکت اپل ترتیب داده‌اند که هزینه‌ی آن برای یک ساعت، ۷۲۷۷۷ دلار است.

این مزایده برای دیدار با تیم کوک، از طریق اینترنت صورت می‌گیرد. چارتی باز، مدیر مزایده می‌گوید: "دیدار مورد نظر در دفتر کاری تیم کوک در ایالت کالیفرنیا انجام خواهد گرفت." سازمان‌دهندگان این مزایده می‌گویند، درآمد حاصله از این ضیافت قهوه، به حساب سازمان‌های جامعه‌ی مدنی و حقوق بشری واریز خواهد شد.